

اخلاق تحصیل زنان

سمیه السادات موسوی*

چکیده

تحصیلات تکمیلی یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اجتماعی زنان است که با استقبال روزافزونی روبه‌روست. از آنجاکه این دوران، بیشتر با زندگی مشترک و آغاز مسئولیت‌های همسری و مادری زنان هم‌زمان است، اگر میان نقش‌های خانوادگی و تحصیلی آنان هماهنگی نباشد، زندگی خانواده‌ها با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهد شد. به دلیل جایگاه ارزشمند اخلاق و اثر مستقیم آن بر شئون گوناگون زندگی، با تبیین بایدها و نبایدهای اخلاقی تحصیل زنان، می‌توان از بسیاری مشکلات پیشگیری کرد.

این پژوهش در نظر دارد به بررسی تحصیل زنان از دیدگاه اخلاقی پرداخته، با بیان اصول و ارزش‌های آن، راهکارهایی برای جلوگیری از تعارض میان نقش‌های خانوادگی و تحصیلی بانوان ارائه کند. بدین منظور، این نوشتار با رویکردی کاربردی، به تحلیل نظری داده‌ها پرداخته، سرانجام با اشاره به دو اصل نخستین زندگی زنان، یعنی همسری و مادری، شش راهکار عملی در قالب ارزش‌های اخلاقی تحصیل پیشنهاد می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، تحصیل زنان، اصول اخلاقی، ارزش اخلاقی.

مقدمه

خانه‌داری و هم در تحصیل موفق باشد؟ این نوشتار با هدف پیشگیری از ایجاد تعارض میان حقوق خانواده و تحصیل خانم‌ها، در آغاز به معرفی بنیادی‌ترین اصول زندگی یک بانوی متأهل، یعنی همسری و مادری می‌پردازد. پس از آن، در قالب ارزش‌های اخلاقی به بیان روش‌هایی کاربردی برای بهبود وضع زندگی به خانم‌های محصل پیشنهاد می‌دهد.

گفتنی است مخاطب اصلی بحث، بانوانی اند که حفظ بنیان خانواده در نظر ایشان جایگاه بالایی دارد و در عین حال، قصد ادامه تحصیل نیز دارند؛ از این رو، ممکن است برخی مطالب این نوشتار خوشایند افرادی که به شعارهای فریبنده فمینیستی دل بسته‌اند نباشد، ولی تلاش ما بر آن بود که هر آنچه بیان می‌شود با فطرت، عقل و شرع همسو باشد و به نیاز همسران و مادران واقعی و دلسوز برای دستیابی به راه‌های موفقیت در دو عرصه زندگی و تحصیل پاسخ داده شود.

مفهوم‌شناسی

۱. اخلاق و اخلاق تحصیل

اخلاق، جمع «خُلُق» یا «خُلُق» به معنای صورت باطنی و ناپیدای انسان است که سرشت و سیرت نیز نامیده می‌شود؛ چنان‌که «خُلُق» بر صورت ظاهری و دیدنی انسان دلالت دارد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۷؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۹۷). «خُلُق» در اصطلاح، ملکه‌ای نفسانی است که به اقتضای آن، فعلی به سهولت و بدون نیاز به فکر کردن از انسان صادر می‌شود (ابن‌مسکویه، ۱۴۲۶ق، ص ۱۱۵). با این تعریف، روشن می‌شود که واژه اخلاق، به خودی خود، ارزش معنایی ندارد و فقط پس از تقسیم به

تحصیل یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اجتماعی زنان است که بخش گسترده و مهمی از زندگی خانوادگی آنان را متأثر می‌سازد؛ زیرا، سرشت تحصیل اقتضا می‌کند افزون بر وقتی که برای حضور در کلاس صرف می‌شود، زمانی نیز برای انجام تکالیف، تحقیق و پژوهش اختصاص یابد. این یعنی هنگامی که خانم از کلاس به منزل بازمی‌گردد، باز هم بخشی از توجه و وقتش صرف تکالیف و کارهای محوله می‌شود. بنابراین، احتمال کم‌توجهی به حقوق خانواده و بروز صدمات بسیار جبران‌ناپذیری است؛ از این رو، ضرورت دارد با توجه ویژه‌ای به مقوله تحصیل زنان پرداخته شود و با شناسایی مشکلات موجود، راه‌هایی برای پیشگیری از آن ارائه گردد.

از آنجا که بحث تحصیل زنان به‌طور جدی در چند سال اخیر و با تغییر وضع اجتماعی و فرهنگی جوامع مطرح شده است، در میان منابع قدیم و دست اول اخلاق، کتابی که به اخلاق علمی محصلان به‌ویژه زنان در برابر خانواده بپردازد، یافت نشد. در میان کتاب‌های معاصر نیز نوشته‌ای که بتواند راهکار روشنی درباره تحصیل به زنان عرضه کند به دست نیامد. تنها در برخی کتاب‌ها به جنبه‌های محدودی از موضوع تحصیل زنان پرداخته شده است. بنابراین، نگارنده در بهره‌مندی از منابع دست اول محدود بود و بیشتر به کتاب‌های متأخری که درباره خانواده و زن مطلب نگاشته‌اند، رجوع کرده است. هرچند این مسئله مانع از پیگیری موضوع در منابع دینی نشد، کوشیده‌ایم تا حد امکان، راهکارهای عرضه‌شده، برگرفته از متن آیات و روایات باشد.

با توجه به خلأ مطرح‌شده، اصلی‌ترین پرسشی که پژوهش پیش‌روی با آن روبه‌رو شد این بود که یک زن متأهل با رعایت چه اصول و ارزش‌هایی می‌تواند هم در

است که بیانگر زیرساخت‌ها و چارچوب‌های نظری یک نظام اخلاقی باشند و جهت‌گیری‌های کلان آن را توضیح دهند؛ به طوری که دیگر برنامه‌ریزی‌ها و باید و نبایدهای جزئی‌تر، با در نظر گرفتن آنها صورت پذیرد.

۳. ارزش

ارزش در لغت به معنای قیمت، بها، قدر، برانزندی، شایستگی، زیندگی، قابلیت و استحقاق است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۸۲۶).

با توجه به این معانی، واژه ارزش در موارد مختلفی همچون ارزش اقتصادی، ارزش هنری، ارزش اجتماعی، ارزش علمی، ارزش تاریخی به کار می‌رود و در هر زمینه، معنای اصطلاحی متفاوتی می‌یابد؛ اما در بحث پیش‌رو، با توجه به گرایش اخلاقی پژوهش و نیز پرهیز از پراکنده‌گویی، فقط به بررسی معنای اصطلاحی آن از جنبه اخلاقی پرداخته می‌شود.

مراد از ارزش اخلاقی، «مطلوبیت فعل اختیاری است؛ از آن جهت که دارای نتیجه متعالی و معنوی در روان فرد می‌باشد. مثل ایثار و فداکاری کسی که با وجود گرسنگی و نیاز به غذا، از لذت سیری خود می‌گذرد و آن را به دیگری می‌دهد (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۱۱۸).

در تعریف یادشده دو مؤلفه جالب توجه است: نخست، «اختیاری بودن فعل» که نشان‌دهنده دامنه ارزش‌های اخلاقی است.

اگر به مجموعه چیزهایی که در اخلاق قابل ارزش‌گذاری‌اند توجه کنیم، می‌بینیم این مجموعه همه صفات و رفتارهای اختیاری انسان را شامل می‌شود و فقط امور غیراختیاری از دامنه این ارزش‌ها خارج‌اند. از این مجموعه، رفتارهای اختیاری انسان را در نظر می‌گیریم. این زیرمجموعه خود شامل همه کارهای

خلق پسندیده و ناپسند است که هر یک از اقسام و مصادیق آن به مفاهیم ارزشی تبدیل می‌شود؛ هرچند، به‌طور کلی وقتی خلق یا اخلاق به صورت مطلق و بدون صفت یا قید به کار می‌رود به معنای خلق پسندیده است. منظور از اخلاق تحصیل یا اخلاق علمی، «خصوصیات و ویژگی‌های پسندیده‌ای است که متعلم و دانشجو باید در مدتی که مشغول به تحصیل است بدانها متصف باشد» (الهامی‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲).

۲. اصل

واژه اصل، در لغت به معنای بیخ و بنیاد هر چیز، و اساس و پایه کار می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۸۰۰). از آنجا که این واژه در رشته‌های گوناگون دانش، تعاریف متفاوتی می‌یابد (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: باقری، ۱۳۷۴)، برای ارائه تعریف اصطلاحی مرتبط با موضوع، فقط به بررسی معنای آن در علم اخلاق پرداخته و از بیان دیگر معانی پرهیز می‌کنیم.

با توجه به آنکه اخلاق تحصیل از مباحث کاربردی شمرده می‌شود، برای رسیدن به معنای اصول اخلاقی، سزاوار است نخست معنای اصل در قلمرو علوم کاربردی بیان شود.

ویژگی بارز علوم کاربردی آن است که در پی ایجاد تغییرات مطلوب در عرصه‌های گوناگون است. آنچه در این علوم درخور توجه است، به دست آوردن قواعد کلی برای تعیین و هدایت تغییرات مدنظر است. براین اساس، معنای اصل در علوم کاربردی «قاعده عامه»‌ای خواهد بود که می‌توان آن را به‌منزله دستورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به‌عنوان راهنمای عمل استفاده کرد (باقری، ۱۳۷۴، ص ۶۴).

بنا بر این تعریف، مراد از اصول اخلاقی گزاره‌هایی

برای رسیدن به مقصد و مقصود مدنظر، چه باید کرد؛ اما، تفاوت آنها در این است که اصول، راهکارهای کلی و ارزش‌ها جزئی‌ترند (باقری، ۱۳۷۴، ص ۶۴).

با توجه به آنچه بیان شد، روشن می‌شود که اصول اخلاقی یادشده در این مقاله، منحصر به بحث تحصیل زنان نیست؛ بلکه چارچوب‌های کلی و قواعد عامه‌ای‌اند که در همه شئون زندگی یک زن می‌بایست در اولویت باشند و دیگر فعالیت‌ها، براساس این اصول برنامه‌ریزی شوند؛ اما، ارزش‌هایی که عرضه خواهند شد راهکارهایی‌اند که به صورت مشخص و جزئی، چگونگی تحصیل را با رعایت اصول اخلاقی زندگی نشان می‌دهند.

اصول اخلاق تحصیل

در بیان اصول اخلاقی تحصیل زنان، چند نکته مهم و اساسی است که پیش از آغاز بحث، می‌بایست مدنظر قرار گیرند:

الف) با توجه به تعریف واژه «اصل» که در مفهوم‌شناسی ارائه شد، برای تعریف اصول اخلاقی که یک زن متأهل در زندگی مشترک ملزم به رعایت آن است، باید گفت که مراد بایسته‌های کلی است که پایه و اساس رفتار زن را در جایگاه تأهل و محیط خانواده تشکیل می‌دهد؛ به طوری که درستی یا نادرستی دیگر فعالیت‌های او به میزان توافق یا تعارض با این اصول بستگی دارد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این تعریف قید تحصیل، موضوع بحث نیست و اصولی که در این مقاله بیان می‌شود، همه زنان متأهل را دربر می‌گیرد. لیکن از آنجا که خانم‌های محصل به مثابه بخشی مهم از زنان متأهل، موضوع اصلی بحث می‌باشند، این اصول بیان می‌گردد تا اولاً، نمایی کلی از بایسته‌های اخلاقی در روابط زناشویی برای آنان ارائه شود؛ و ثانیاً، ارزش‌ها و

فردی، خانوادگی و اجتماعی، از جمله فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی می‌شود. بنابراین، همه این کارها و فعالیت‌ها، اگر از نظر اخلاقی، یعنی از جهت هدفی که از مجموع آنها در نظر است، بحث شوند، در دامنه ارزش‌های اخلاقی واقع می‌شوند. بنابراین برای ارزیابی اخلاقی فعالیت‌ها و کارهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی و دیگر رفتارهای اختیاری انسان، باید به آنها از جهت اثری که بر کمال اختیاری انسان دارند توجه شود. علم اخلاق با همه صفات و کارهای اختیاری انسان که تأثیری - مثبت یا منفی یا صفر - در کمال اختیاری او می‌گذراند سروکار دارد و همه آنها را ارزش‌گذاری اخلاقی می‌کند (مصباح، ۱۳۸۵، ص ۵۹).

دومین مؤلفه درخور توجه در تعریف اصطلاحی ارزش «نتیجه متعالی و معنوی» است که به هدف ارزش‌های اخلاقی اشاره دارد.

ارزش رفتارهای اخلاقی به غایات و اهداف آنهاست؛ زیرا ما اهدافی مقدس داریم که برای ما مطلوبی ذاتی‌اند. ما باید کارهایی انجام دهیم که به آن اهداف مقدس نزدیک شویم. اینجاست که ارزش‌های اخلاقی پدید می‌آیند. با توجه به این نکته، گفته می‌شود که هدف انسان، رسیدن به قرب الهی است و این بالاترین هدفی است که برای سیر تکاملی انسان وضع می‌شود. ارزش رفتارهای اخلاقی، از آنجا ناشی می‌شود که یا خود سبب قرب الهی‌اند، یا زمینه تقرب به خدا را فراهم می‌آورند (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲).

پس، در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، هر عملی که انسان به میل و اراده خود و به انگیزه تقرب و رسیدن به خدا انجام دهد، ارزش اخلاقی دارد.

تفاوت اصل و ارزش: اصول و ارزش‌ها از یک سنخ‌اند؛ زیرا، هر دو، دستورالعمل هستند و به ما می‌گویند که

مواردی که احکام حقوقی بیان شده، احکام اخلاقی نیز ذکر گردیده است. سبب این آمیختگی، آن است که از یکسو، احکام حقوقی نمی‌توانند به تنهایی سعادت و کمال انسان را تضمین کنند، از سوی دیگر، هدف اصلی قرآن از بیان احکام حقوقی، فقط وضع قانون برای تنظیم روابط اجتماعی نیست؛ بلکه، هدف بالاتری را دنبال می‌کند و آن، دستیابی انسان‌ها به کمال معنوی و اخلاقی است؛ حتی، می‌توان گفت اهداف اخلاقی قرآن، بر اهداف حقوقی اش حاکم است (مصباح، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۶۲). با توجه به منابع دینی، اصول گوناگونی برای زندگی یک زن تعریف شده است که در این قسمت، به بررسی دو مورد از اساسی‌ترین و مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

رعایت حقوق همسر

بنابر آیه ۲۱ سوره روم که می‌فرماید: «و یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود...»، ازدواج و قرار گرفتن زن و مرد در کنار یکدیگر، راهی برای رسیدن به آرامش معرفی شده است. سهمی که زن در ایجاد این آرامش بر عهده دارد با رعایت حقوقی ادا خواهد شد که در ادامه به برخی آنها اشاره می‌شود:

الف. تمکین در امور زناشویی: تأمین نیازهای جنسی از وظایف مشترک زوجین در زندگی زناشویی است، ولی این وظیفه بیشتر بر دوش زن است؛ زیرا مرد به سبب حضور بیشتر در جامعه و تهاجمی بودن غریزه‌اش، در معرض خطر بیشتری است (ر.ک: غلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷-۱۳۲) و اگر از سوی همسر خود به درستی ارضا نشود، امکان لغزش و انحراف او بیشتر خواهد بود. با توجه به اهمیت مسئله، می‌توان دریافت که چرا پیامبر

راهکارهای اخلاقی تحصیل که در قسمت بعد بیان خواهد شد درک پذیرتر باشد؛ زیرا همگی بر پایه این اصول استوارند؛

ب) اسلام برای تحکیم حیات خانواده برای سود همه اعضای آن، حقوق و وظایف ویژه‌ای وضع کرده است. ولی در ادامه، به جهت دوری جستن از مطالب حاشیه‌ای و تمرکز بر مسائل مربوط به مخاطب، یعنی زنان متأهل، فقط به بیان وظایف و مسئولیت‌های آنان پرداخته می‌شود. حتی مواردی که جزو وظایف مشترک زن و مرد در روابط زناشویی است، فقط از جنبه‌ای که مربوط به خانم‌هاست بررسی می‌شود. بنابراین، با مطالعه این اصول، نباید تصور شود که اسلام به حقوق زنان توجهی نداشته و دینی یک‌طرفه و مردسالارانه است؛

ج) برخی موارد که در ادامه بیان خواهد شد به‌رغم آنکه جزو احکام حقوقی ازدواج‌اند در جایگاه اصول اخلاقی ذکر شده‌اند؛ زیرا هرچند احکام عملی دین اسلام، از آن جهت که حقوق و تکالیف افراد را مشخص می‌کنند، به فقه اسلامی ارتباط دارند؛ اما همه احکام مزبور، از آن جهت که فرد را به سعادت و کمال حقیقی رهنمون می‌شوند، در حوزه اخلاق اسلامی قرار می‌گیرند (مصباح، ۱۳۸۵، ص ۲۶۴). بدین ترتیب، چنانچه فرد از احکام و قوانین حقوقی به نیت رسیدن به کمال ابدی خود و قرب الهی تبعیت نماید، از نظر اخلاقی نیز عمل ارزشمندی انجام داده است.

بنابراین، در نظام ارزشی اسلام، حقوق می‌تواند در حوزه اخلاق و در خدمت سعادت و کمال نهایی انسان جای گیرد (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۴۳).

از سویی در منابع اسلامی به‌ویژه قرآن کریم، احکام اخلاقی و حقوقی، آمیخته با هم بیان شده‌اند؛ به‌ویژه درباره روابط خانوادگی و مسائل زناشویی. تقریباً در همه

انسجام و روابط مناسب اعضای خانواده آسیب می‌رساند. از سویی اسلام تعیین رئیس را نیز به توافق زوج‌ها وانگذارده است؛ زیرا خداوند برای سرپرست خانواده وظایف و احکام دشواری همچون لزوم پرداخت نفقه وضع کرده است که اجرای آن نیاز به توانایی‌های ویژه‌ای چون قدرت جسمانی دارد. اگر این وظایف در کنار رنج و زحمت بارداری و شیردهی، بر عهده زن گذاشته شود به یقین برای او مشکلاتی از قبیل افسردگی و پیری زودرس ایجاد خواهد کرد؛ از این رو، حکمت و عدالت الهی اقتضا می‌کند مخاطبان این دستورها برای اجرای آنها از نظر ویژگی‌های جسمی و روحی تفاوت ساختاری با یکدیگر نداشته و از یک جنس باشند. پس، با تعیین مرد در مقام سرپرست، که به‌طور طبیعی توانایی بیشتری برای به دوش کشیدن بار مسئولیت دارد، مسئله را حل کرده است.

این نکته نیز جالب توجه است که ملاک قوانین اسلام در مباحث زناشویی، استحکام پایگاهی است که انسان محصول آن است. بنابراین، ریاست خانواده جایگاهی است که برای ثبات و مصلحت این اجتماع کوچک به مرد داده شده است و امتیاز و حق فردی برای شوهر شمرده نمی‌شود. این امر بیشتر یک وظیفه اجتماعی برای تأمین سعادت خانواده است (همان، ص ۹۳) و مرد نمی‌تواند برخلاف شرع، مصلحت و قوانین اسلامی نظری را بر همسر و فرزندان خود تحمیل کند؛ حتی در صورت پافشاری مرد، زن می‌تواند از اطاعت او سر باز زند. برای نمونه، شوهر حق ندارد در زمینه گناه از همسرش اطاعت بخواهد و زن نباید هرگز در برابر چنین درخواستی تسلیم شود؛ زیرا امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «دین ندارد کسی که در جایی که معصیت خالق مطرح است از مخلوق پیروی کند» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۱۱۶۷، حکمت ۱۵۶).

اکرم صلوات الله علیه می‌فرمایند: «برای زن جایز نیست که هیچ شبی بدون اینکه خود را بر شوهرش عرضه کند بخوابد» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۱۷۶).

ب. اطاعت و فرمانبرداری: خانواده مانند دیگر نظام‌های انسانی و اجتماعی سازمانی دارد. در هر سازمان افراد برای خود جایگاه ویژه‌ای دارند که نشانه قدرت و تأثیر بر دیگران است. تعالیم اسلام نیز بر لزوم سلسله‌مراتب در خانواده تأکید می‌ورزد. از لوازم سلسله‌مراتب، اقتدار بیشتر برخی اعضا در خانواده است. اقتدار کافی و در عین حال، عادلانه شرط لازم برای انجام وظیفه است. در نظام خانواده نیز باید وظایف همراه با اقتدار کافی تفویض شود؛ از این رو، تعالیم اسلام افزون بر تأکید بر اقتدار والدین، به سبب نوع مسئولیت‌های مرد، به شوهر اقتدار بیشتری می‌دهد تا بتواند به وظایفش بهتر عمل کند (سالاری‌فر، ۱۳۸۵، ص ۹۱).

البته باید توجه داشت اطاعت زن از شوهر، مطلق و در همه شئون زندگی نیست. بنابراین، نباید تصور کرد این حکم به معنای سلب آزادی‌ها و اختیارات زن است. هرچند، در زندگی مشترک، اخلاق اقتضا می‌کند که خانم حرمت همسر را حفظ کند و تا آنجا که امکان دارد با او همانگ و همراه باشد؛ زیرا از این راه می‌تواند آرامش، محبت و سلامت را بر فضای خانه حاکم و پایه‌های زندگی را مستحکم سازد.

ممکن است این پرسش مطرح شود که چرا به جای ریاست مرد، از مدیریت اشتراکی یا توافقی برای اداره زندگی زناشویی نمی‌توان بهره برد؟ در پاسخ باید گفت، از آنجا که در مدیریت اشتراکی، زن و مرد در اداره امور خانواده برابر می‌شوند و هیچ‌یک در اعمال نظر برتری نخواهند داشت، ناگزیر باید برای حل اختلاف درباره هر مسئله جزئی به مرجع بالاتری رجوع کنند و همین امر به

چنین فضایی نمی‌توانند از آرامش، رشد، تربیت و تعلیم درستی برخوردار شوند. بدین ترتیب زندگی آرامش و ثبات خود را از دست داده و هدفی که از تشکیل خانواده مدنظر بود محقق نخواهد شد. پس، تعیین این وظیفه برای زن، هم در جهت تأمین مصالح خانواده و هم از باب حاکمیت صفا، صمیمیت، حمایت و حفاظت از کیان خانواده در نبود شوهر است؛ نه به سبب اجازه دادن تحکم به مرد و روا دانستن بعضی برخوردهای ظالمانه و نامعقول برای او.

در پایان، این نکته گفتنی است که همه الزامات و باید و نبایدهای بیان شده در بحث، به اقتضای تعهدی است که میان زن و مرد با عقد نکاح حاکم می‌شود. اما عنایت اسلام بیشتر به بُعد غیرالزامی زندگی مشترک است. اسلام می‌کوشد زنان را آگاه کند که نباید در جنبه‌های مادی و روابط قراردادی پیوند زناشویی، محدود شوند و فقط به طلب حق خویش یا ادای حق شوهر اکتفا کنند؛ بلکه لازم است با ابراز دوستی و رحمت و مهربانی به شوهر، در پی کسب رضای الهی باشند تا در زندگی زناشویی به آرامش و اطمینان و رضایت خاطر دست یابند (ر.ک: فضل‌الله، ۱۳۸۷، ص ۳۸).

د. پرورش و تربیت فرزند: باید آگاه بود که هدف از تشکیل خانواده، فقط تولیدنسل و زایش اولاد نیست؛ بلکه رسالت عظیم‌تری بر عهده والدین قرار گرفته که تربیت و پرورش صحیح فرزند است. این مسئله به اندازه‌ای از نظر اسلام مهم و باارزش است که تربیت و تأدیب را یکی از حقوق اولاد برمی‌شمرد و ثواب و عقاب والدین را وابسته به نحوه تربیت فرزندانشان می‌داند (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۳۷۱).

هریک از والدین، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در تربیت بچه‌ها دارند؛ ولی آنچه مسلم است، نقش تربیتی

ج. لزوم اذن شوهر برای خروج از منزل: از جمله حقوقی که برای مردان تعریف شده آن است که اگر خروج زن از منزل با بهره‌مندی جنسی شوهر منافات داشت، زن باید برای بیرون رفتن، از مرد اجازه بگیرد. هرچند براساس این حکم، اجازه گرفتن منوط به بروز تعارض یادشده است؛ اما به خانم‌ها سفارش می‌شود برای رعایت اخلاق و حفظ آرامش و صمیمیت، در مواردی نیز که اجازه گرفتن بر آنها واجب نیست، با هماهنگی و رضایت شوهر از منزل خارج شوند.

شاید بتوان گفت سبب تأکید شرعی و اخلاقی اسلام بر این حکم، استحکام بنای خانواده است؛ زیرا این پایگاه انس و الفت که در اداره و تنظیم امورش بایستی رعایت همه مصالح و منافع داخلی و خارجی آن بشود، از حضور یکی از ارکان خانواده خالی نباشد. چون تأمین معاش و گرداندن امور اقتصادی خانه بر عهده مرد است و او ملزم به تدارک امور خانواده و تأمین افراد آن در بیرون از منزل است، زن نیز بایست در داخل به تأمین مصالح و استحکام بنای خانواده و تدارک امنیت و آرامش افراد آن بپردازد (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵).

قدری تأمل در پیامدهای ناهماهنگی زن با شوهر برای خروج از منزل، حکمت و فلسفه این حکم را تا اندازه‌ای روشن می‌سازد. برای مثال، خانمی که بدون اطلاع و رضایت همسر از خانه خارج می‌شود، فضای ناآرامی را برای مرد ایجاد می‌کند؛ زیرا یا به سبب فشار نگرانی‌ها و انتظاراتی که در نبود او تحمل می‌کند، دچار آشفتگی روحی می‌شود یا به همسرش بی‌اعتنا شده و اهمیتی به حضور یا حضور نداشتن وی نمی‌دهد. به هرروی، چنین وضعی سبب می‌شود به تدریج از توجهی که برای بقای یک خانواده لازم است، چه از سوی مرد و چه از سوی زن، کاسته شود. مهم‌تر از همه، فرزندان در

زن، باید به عظمت این بُعد از حیات وی توجهی ژرف داشته باشد و هیچ‌گاه آن را فدای برخی نقش‌ها و فعالیت‌های زودگذر اجتماعی نکند.

مقصود از بیان این اصول، آن بود که هر خانم محصل که زندگی زناشویی را نیز برگزیده است، جایگاه تحصیل را در کنار وظایف اصلی‌اش، یعنی همسری و مادری بشناسد. با توجه به مطالب بیان‌شده این معیار کلی به دست می‌آید: «هر فعالیت و اقدامی که در دایره اصول نگنجد، جزو فروع زندگی زن به‌شمار می‌رود و در صورت تعارض با هم، می‌بایست به گونه‌ای عمل کرد که خدشه‌ای به اصول وارد نشود.»

پس، تحصیل نیز که یکی از فروع زندگی زن متأهل شمرده می‌شود در اولویت دیگر است و نباید سبب کم‌رنگ شدن اصولی شود که اساس استحکام ارکان زندگی مشترک است؛ زیرا با دست کشیدن از اصول، در واقع خلاف حکم فطرت و طبیعت خود رفتار می‌کند. تجربه ثابت کرده است که آنچه زن در این راه از دست می‌دهد بسیار سنگین‌تر و ارزشمندتر از چیزی است که با تحصیل در پی دستیابی به آن است.

ارزش‌های اخلاقی تحصیل

همان‌گونه که در مفهوم‌شناسی اشاره شد هر عملی که انسان به خواست و اراده خود، با انگیزه تقرب و رسیدن به خداوند انجام دهد، ارزش اخلاقی دارد. با توجه به این مسئله، مراد از ارزش‌های اخلاقی تحصیل زنان، روش‌هایی است که خانم‌ها با در نظر گرفتن رضای پروردگار به کار می‌بندند تا تحصیلشان سبب خلل در ایفای نقش مادری و همسری آنها نشود.

مهم‌ترین ثمره به کارگیری این ارزش‌ها، که دغدغه اصلی زنان محصل است، پیش‌گیری از درماندگی خانم‌ها

مادر جایگاه و اهمیت بیشتری دارد؛ به گونه‌ای که در روایات، مسئولیت مستقیم رسیدگی همه‌جانبه فرزندان بر عهده زن گذاشته شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «زن نسبت به اهل بیت شوهر و بچه‌هایش مسئول است و در مورد آنان بازخواست می‌شود» (دیلیمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۸۴). این حدیث به روشنی بر نقش ویژه زن درباره فرزندان تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که وی درباره چگونگی برخورد و تربیت اولادش در پیشگاه خداوند متعال بازخواست خواهد شد. البته آنچه بیان شد به معنای تکلیف شرعی و قانونی زن نیست؛ زیرا اسلام حتی شیر دادن کودک را بر زن الزام نمی‌کند. طبیعی است که پرورش فرزندان در زمینه‌های دیگر نیز تکلیف او نخواهند بود. اما از آنجا که بنا بر آموزه‌های دینی، پیامد اعمال فرزندان گریبان‌گیر والدین است و از سویی اثرگذارترین فرد در زندگی کودک، خواه‌ناخواه مادر اوست؛ از این رو، به نظر می‌رسد مسئولیت و الزامی که در روایات بیان شده است به وظیفه اخلاقی ماسد برای پرورش نیکوی فرزندش اشاره دارد.

همچنین تأکیدی که بر حق مادر در آیات و روایات (احقاف: ۱۵؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۶۰) می‌شود و نیز احکامی که متوجه مادر است، به‌ویژه استحباب شیر دادن فرزند و تقدم مادر در نگهداری کودک پسر برای دو سال و کودک دختر برای هفت سال، همگی دلیل بر اهمیت وظیفه مادری و نقش ویژه او در پی‌ریزی شخصیت و تربیت فرزند است.

بنابراین، هرگونه فعالیت زن که در تعارض با این اصل باشد و توان و وقت او را از تربیت مناسب فرزندان بازدارد، مانعی برای ادای موفقیت‌آمیز وظیفه طبیعی و الهی او یعنی مادری خواهد بود. بنابراین، آموزش‌های خیرخواهانه و جانب‌داری‌های اصولی و انسانی از حقوق

شخصی، رشته‌ای را برگزینند که با وضع آنان سازگار نباشد، درحالی‌که می‌توان علاقه را از راه‌های دیگری همچون مطالعه آزاد درباره رشته مطلوب، ارضا کرد، در مقابل از فرصت‌های محدود زندگی بهترین بهره را برد.

برای تبیین هرچه بهتر بحث، یک رشته تحصیلی و تناسب آن را برای خانم‌ها بررسی می‌کنیم. به این عناوین توجه کنید: «تکنولوژی بتن، تحلیل سازه، مهندسی پی، سازه‌های بتنی، سازه‌های فولادی، مکانیک سیالات، رسم فنی و نقشه‌کشی ساختمان، مهندسی آب و فاضلاب، مهندسی ترافیک». اینها نام برخی درس‌های تخصصی یک رشته مهندسی عمران است. از آنجاکه از توانایی‌های لازم برای فعالیت در این رشته، آمادگی کار در کارگاه‌های داخل و خارج شهر است، خانمی که تدبیر و آینده‌نگری داشته باشد، پیش از هر اقدامی باید از خود بپرسد: «چند درصد از خانم‌هایی که در این رشته تحصیل می‌کنند فرصت اشتغال خواهند داشت؟ با توجه به این شروط، اطلاعات این رشته، تا چه اندازه برای زندگی خانوادگی سودمند است؟» یک عقل حسابگر و دوراندیش، با کمی تأمل درمی‌یابد که گذراندن سال‌های مفید عمر برای یادگیری معلوماتی که احتمال به‌کارگیری آنها در شغلی مناسب، بسیار کم است و از سویی در زندگی شخصی و خانوادگی نیز استفاده‌شدنی نیست، چندان به صلاح نیست. اما رشته‌هایی نیز هست که اطلاعات مفیدی برای زنان متأهل دارد و در اداره هرچه بهتر زندگی به یاری آنها می‌آید. رشته‌هایی مثل علوم قرآنی و حدیث، روان‌شناسی، الهیات و معارف اسلامی، علوم تغذیه، راهنمایی و مشاوره و... که در صورت اشتغال، فرصت‌های خوبی در جامعه برای آنها وجود دارد. چنانچه امکان اشتغال نیز فراهم نباشد، اطلاعات آنها بیهوده نبوده، در زندگی خانوادگی استفاده خواهد شد.

چه در تحصیل و چه در زندگی مشترک است.

در ادامه، برای آشنایی بیشتر با این ارزش‌ها، به بررسی شش مورد می‌پردازیم که عبارت‌اند از:

۱. آینده‌نگری

از نظر اسلام، آینده‌نگری آن است که شخص، اطراف و جوانب هر عملی را پیش از آغاز، خوب بررسی و در آثار و نتایج آن تفکر و تأمل کند؛ اگر صلاح بود عمل، و گرنه از آن خودداری کند (ابی‌فراس، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۶).

با توجه به این تعریف، آنچه از آینده‌نگری به‌منزله راهکار تحصیل زنان مدنظر است، آن است که خانم‌ها پیش از آغاز تحصیلات عالی، با توجه به تصمیمی که برای زندگی آینده خود دارند، رشته مناسب را برای به‌دست آوردن دانش انتخاب کنند.

بانویی که هم قصد ازدواج و هم ادامه تحصیل دارد، باید دو نکته را مدنظر قرار دهد: نخست اینکه شرایط تأهل با سالیان طولانی آموزش و تحقیقات پی‌درپی و وقت‌گیر چندان سازگار نیست. دیگر آنکه ممکن است، بعد از پایان تحصیل به‌سبب موقعیت همسر یا فرزندان مشغول کار نخواهد شد.

با در نظر گرفتن این موارد، اگر بانویی می‌خواهد هم در زندگی زناشویی و هم در عرصه علمی موفق باشد، می‌بایست تدبیر و دوراندیشی کند و با در نظر گرفتن امکانات، موقعیت و توانایی‌های خود، رشته‌ای را برگزیند که هم از نظر کمیت و کیفیت، اولویت‌های زندگی را دربرگیرد و هم آموخته‌هایش در ارتقای سطح زندگی خانوادگی او را یاری دهد، یا دست‌کم به‌گونه‌ای باشد که در صورت کار نکردن بیرون از منزل، امکان بهره‌وری و درآمدزایی از اطلاعاتش در محیط خانه باشد.

ممکن است برخی بانوان، فقط به‌سبب علاقه

علاقه شخصی باشد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۷۶). البته معنای این سخن آن نیست که علاقه فرد هیچ‌گاه نباید مدنظر قرار گیرد؛ بلکه مراد آن است که علاقه، اولویت نخست نیست و نباید فقط ملاک تصمیم‌گیری باشد.

در پایان، برای آشکار شدن ضرورت آینده‌نگری در تحصیل زنان، به بخشی از نامه یک خانم خانه‌دار و تحصیل‌کرده اشاره می‌شود. ایشان پس از بیان مقدمه‌ای می‌نویسند: «با توجه به حافظه و استعدادی که خداوند به من ارزانی داشته بود، اکنون دریافته‌ام که بهترین ایام زندگی‌ام را هدر داده‌ام؛ زیرا در رشته علوم اجتماعی و اقتصاد تحصیل کرده‌ام که هیچ‌گونه فایده‌ای برای زندگی کنونی‌ام ندارد... سخن من اینجاست که اکنون تکلیف ما چیست؟ چرا که (با توجه به شرایط) باید در خانه بمانیم و آن را چه از نظر کارهای عملی، چه از جهت روحی و روانی و چه از نظر بهداشت خانه و خانواده، اداره کنیم؛ این در حالی است که هیچ‌کدام از آموخته‌هایمان که مربوط به بهترین ایام عمرمان است به این مسائل ربطی ندارد...» (بهشتی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۷).

چنان‌که گذشت، زمانی حقیقت برای این خانم آشکار شده است که فرصت‌ها از دست رفته و اگر از همان آغاز رشته مناسبی تحصیل می‌کرد، این‌گونه دچار احساس خسران و زیان نمی‌شد.

۲. واقع‌بینی

در زندگی انسان، یک‌سری بایدها و ایده‌آل‌ها وجود دارد و یک‌سری هست‌ها و واقعیت‌ها. در این میان، کسی در رسیدن به اهدافش موفق است که با توجه به واقعیت‌ها برای رسیدن به ایده‌آل‌ها برنامه‌ریزی کند. ولی اکثر افراد خلاف این اصل عمل می‌کنند؛ یعنی زندگی خود را مناسب با وضعی که فکر می‌کنند حقشان است یا

همچنین رشته‌هایی مثل مترجمی زبان، طراحی پارچه و لباس و یا مهندسی کامپیوتر از رشته‌هایی‌اند که همیشه جامعه نیازمند آن است. از سویی، برای اشتغال و به‌کارگیری آنها نیاز نیست حتماً در محلی خاص و بیرون از منزل باشند؛ بلکه اگر خانمی از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود به‌درستی استفاده کند، می‌تواند در منزل نیز از دانش خود برای درآمدزایی بهره‌گیرد.

مهم‌ترین دستاورد آینده‌نگری، بالا بردن ضریب موفقیت بانوان در تحصیل است. نباید تصور کرد که موفقیت در تحصیل، فقط به پایان رساندن آن است؛ بلکه چگونگی سپری کردن سال‌های تحصیل و نیز امکان به‌کارگیری و بهره‌مندی از آموخته‌ها نیز ملاک است. اگر خانمی در سطوح عالی، فارغ‌التحصیل شود، ولی در این مدت به‌سبب غفلت از همسر و فرزندان، پایه‌های زندگی‌اش سست شده باشد، یا اینکه هرآنچه آموخته در زندگی بی‌استفاده و ناکارآمد باشد، نمی‌توان تحصیلات او را موفقیت شمرد. در مقابل، اگر با آینده‌نگری، هم تحصیلاتش را کامل کند و هم به کمک سرمایه علمی آندوخته شده بتواند کیفیت زندگی مشترک را ارتقا دهد، در آن صورت می‌توان تحصیلات او را تلاشی سودمند دانست. بنابراین، زمانی آینده‌نگری به کار می‌آید که به‌دور از تعصب‌ها و نگاه‌های احساسی و بی‌منطق بوده، هدف از آن رسیدن به انتخابی درست باشد. عاقبت‌اندیشی و احساسی نبودن، به‌ویژه درباره فرصت‌های جبران‌ناپذیر، تا آنجا مهم است که حتی در روایات سفارش شده است که اگر یک طرف انتخاب، امری است شخص به آن علاقه‌ای ندارد، ولی عاقبت خوبی دارد و در طرف دیگر، کار مورد علاقه شخص است، اما در نهایت، سرزنش و ملامت را به‌دنبال دارد، می‌بایست کاری را برگزیند که عاقبتش ستودنی است؛ حتی به قیمت چشم‌پوشی از

مطالعات نشان می‌دهند که بسیاری از زنان در ایفای مسئولیت‌های اجتماعی همراه مسئولیت‌های زندگی خانوادگی، به تعارض‌های حل‌نشده‌ای دچار می‌شوند (ر.ک: آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱).

با توجه به واقعیت موجود، بهتر است خود خانم‌ها چاره‌ای بیندیشند؛ زیرا هر قدر که از نامناسب بودن اوضاع فریاد برآورند و در پی مقصر بگردند، بیشتر از آنکه به نتیجه برسند فرصت‌ها را از دست می‌دهند. البته منظور این نیست که دست روی دست گذاشته و به وضع موجود راضی باشند. قطعاً با توجه به استقبال گسترده زنان از آموزش عالی و درگیر شدن خانواده‌های بی‌شماری با مشکلات تحصیلی آنان، وضع تحصیل بانوان متأهل باید با سرعت و دقت بیشتری اصلاح شود. اما نکته اینجاست که تا رسیدن به وضع مطلوب، نباید چشم را بر واقعیت‌ها بست.

سفارشی که برای پیشگیری از بروز چنین مشکلاتی به بانوان می‌شود، واقع‌بینی است. با توجه به آنکه رسیدگی به اعضای خانواده و رعایت حقوق ایشان، اولویت اول هر زن متأهل محسوب می‌شود؛ بنابراین، تحصیل باید در اوقات فراغت و فرصت‌های اضافه صورت گیرد. پس، یک خانم واقع‌بین، نخست میزان فراغت خود و مقدار وقتی را که می‌تواند برای تحصیل اختصاص دهد، می‌سنجد و متناسب با آن، برای انتخاب نوع تحصیل که تمام‌وقت، نیمه‌وقت، پاره‌وقت یا غیرحضوری و نیز تعداد و چگونگی واحدهای هر ترم برنامه‌ریزی می‌کند. به کارگیری این روش هر چند ممکن است بر مدت تحصیل بیفزاید، اما بهتر از ناتمام ماندن آن است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «کار کمی که ادامه پیدا کند بهتر از زیادی است که نیمه‌کاره بماند» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۸۱).

بنابر آنچه بیان شد، شایسته است تحصیل بانوان با توجه به شرایط تأهل، با قدم‌های آهسته ولی پیوسته انجام گیرد تا در سایه آرامش، از نتایج آن نیز بهره‌کافی برده شود.

امکانات و موقعیت‌هایی که دوست دارند برایشان فراهم شود برنامه‌ریزی می‌کنند و توجه ندارند این برنامه‌ریزی با واقعیتی که در حال حاضر در آن به سر می‌برند، هیچ تناسبی ندارد. نتیجه‌ای که در نهایت برای چنین افرادی به دست می‌آید شکست، سرخوردگی و ناامیدی است.

در بحث تحصیل زنان، این تفکر به‌خوبی مشهود است و متأسفانه بسیاری از خانم‌ها واقع‌بینی لازم را در تنظیم برنامه آموزشی خود ندارند و بر اساس آنچه باید باشد برنامه‌ریزی می‌کنند، نه آنچه هست.

برای نمونه، یکی از بایدها درباره تحصیل، آن است که مراکز آموزش عالی امکان تحصیل را به گونه‌ای برای زنان متأهل فراهم سازند که آنان بتوانند با آرامش بیشتر و اضطراب کمتر از تحصیلات عالی بهره ببرند. در عین حال، زندگی خانوادگی‌شان نیز صدمه‌ای نبیند. ولی حقیقت فعلی چیز دیگر است. بدین معنا که اگر خانمی بخواهد به‌طور تمام‌وقت و با روند معمول مراکز آموزش عالی درس بخواند، این احتمال بسیار است که تحصیلش با مسئولیت‌های مهم، چون مادری و پرورش نسل نو، رونق بخشیدن به کانون خانواده و تأمین نیازهای عاطفی اعضا تعارض پیدا کند. زیرا وقتی زنی مشغول تحصیل شد ناچار باید بخشی از فرصت خویش را برای حضور در کلاس‌های درس قرار دهد. بخشی دیگر را نیز برای انجام تکالیف و تحقیقات صرف نماید و پس از فراغت از آنها، به‌ناچار باید استراحت کند تا بتواند پاس‌خگویی مسئولیت‌های خانوادگی باشد. آشکار است در این فاصله مسئولیت‌های او بر زمین خواهد ماند و محیط خانواده رو به سردی خواهد رفت و به‌جای آنکه همسر و فرزندان به سوی خانه جلب شوند به محیط‌های دیگری کشیده شده، بدین ترتیب، خانواده در معرض تهدید و تزلزل قرار می‌گیرد.

این حقیقتی است که به اثبات رسیده و پژوهش‌ها و

۳. انعطاف‌پذیری

گاهی انسان در مسیر زندگی به مشکلات و مسائلی برمی‌خورد که توان برطرف کردن یا تغییر آنها را ندارد؛ در این اوضاع به‌جای شکسته شدن و اماندن، باید با شرایط سازگار شود تا زمانی که زندگی به مسیر طبیعی خود بازگردد. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تبیین این مسئله، مؤمن را در رویارویی با سختی‌ها به خوشه‌گندمی تشبیه کرده و می‌فرماید: «حکایت مؤمن، حکایت خوشه در مسیر باد است، گاه می‌افتد و گاه برمی‌خیزد» (شعیری، ۱۴۰۵ق، ص ۱۸۳). با توجه به سخن حضرت، انعطاف‌پذیری در برابر اوضاع سخت، از ویژگی‌های مؤمن شمرده می‌شود. با در نظر گرفتن این توضیح، انعطاف‌پذیری یعنی آمادگی خانم برای تغییر دادن شرایط تحصیل با توجه به مشکلات پیش‌رو برای هماهنگی هرچه بیشتر با اصول و اولویت‌های زندگی.

توضیح اینکه، برای مثال اگر تحصیل حضوری یا تمام‌وقت یک خانم، سبب بروز مشکلات و سختی‌هایی برای خود و خانواده‌اش شود و بر امور مهم‌تر اثر می‌گذارد، نباید با تعصب و پافشاری بیهوده، اصرار بر ادامه راه با همان شرایط داشته باشد. بلکه می‌بایست با توجه به وضع فعلی خود، انعطاف داشته و برای تحصیل به دنبال روش‌های دیگری باشد؛ راه‌هایی مثل ادامه تحصیل به شکل نیمه‌وقت، پاره‌وقت و حتی غیرحضوری در صورت امکان، گرفتن مرخصی از مراکز آموزشی تا مشکل برطرف شود. استفاده از دانشگاه‌های مجازی، به‌کارگیری نرم‌افزارهای آموزشی و راه‌های دیگری که به خانم کمک کند تا خود را با وضع موجود تطبیق دهد و در عین حال، از ادامه تحصیل باز نماند.

۴. اولویت‌سنجی

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در زندگی هرکس همیشه اصولی در اولویت‌اند و دیگر فعالیت‌ها در مقایسه با آنها فرع محسوب می‌شوند. درباره اصول زندگی بانوان باید گفت براساس نظر اسلام، مهم‌ترین انتظار از زنان، مادر و همسر خوب بودن است.

گفتنی است «تأکید اسلام بر اهمیت بی‌نظیر نقش زن در خانواده، به هیچ‌وجه به‌معنای مخالفت با حضور زنان در عرصه‌های مختلف نیست؛ بلکه به‌معنای اصالت و اولویت "نقش مادری و همسری" در مقابل دیگر فعالیت‌ها و نقش‌هاست، چراکه "بقا و رشد و تعالی" بشر و حفظ آرامش و سلامت جامعه در گرو تحقق این نقش است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۴/۱۴).

البته تجربه نشان داده که زنان در اغلب موارد می‌توانند در کنار رعایت اولویت‌های زندگی، به‌راحتی به فعالیت‌های فرعی خود بپردازند. اما آنچه مدنظر است، مواقعی است که حفظ اصول، با انجام فعالیت‌های مورد علاقه خانم تزاخم پیدا می‌کند و او باید یکی را بر دیگری ترجیح دهد.

براساس آموزه‌های فقهی و اصولی، در تزاخم میان تکالیف، یعنی هنگامی که به‌ناچار میان دو یا چند تکلیف، باید اطاعت و پایبندی به یکی را برگزید، می‌بایست به حکم عقل، مهم‌ترین آنها را انتخاب و بدان عمل کرد. اما برای بانوی محصل که میان اصول زندگی و ادامه تحصیل تزاخم ایجاد شده تشخیص آسان‌تر است؛ زیرا همان‌طور که در توضیح بالا بیان شد، تزاخم واقعی به زمانی مربوط است که هر دو مسئله جزو اصول باشند؛ درحالی‌که تحصیل، از فروع زندگی زن به‌شمار می‌آید. پس هرگاه تحصیل خانم سبب صدمه زدن به پایه‌های زندگی خانوادگی شود، و هیچ راه دیگری برای رفع این تزاخم وجود نداشته باشد بدون تردید و با غلبه بر

می‌یابد و از لوازم سعادت و بقای این اجتماع کوچک شمرده می‌شود. اهمیت نظارت و اثر آن بر سرنوشت اعضا به اندازه‌ای است که خداوند در قرآن کریم، آیه‌ای بدان اختصاص داده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...» (تحریم: ۶)؛ ای مؤمنان، خود و خانواده‌تان را از آتشی که هیزم آن، انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگاه‌دارید. از این آیه می‌توان به روشنی دریافت که سرپرستان خانواده باید به عاقبت دیگر اعضا حساس بوده، برای دور نگهداشتن آنان از لغزش و گناه و سرنوشت نافرجام، با هوشیاری بر آنها نظارت آگاهانه و دل‌سوزانه داشته باشند.

وجود عوامل انحراف و لغزش در هر دوره‌ای ضرورت این مراقبت را توجیه می‌کند؛ اما با توجه به گستردگی و قابل دسترس بودن آنها در دوره حاضر، والدین و به‌ویژه مادران، وظیفه سنگین‌تر و سخت‌تری بر عهده دارند؛ زیرا پیشرفت فناوری و امکانات ارتباطی دنیای امروز راه نفوذ افراد بیگانه را برای حضور در فکر و ذهن فرزندان به راحتی فراهم ساخته است. تا جایی که حتی با نگاه داشتن آنها در پشت درهای بسته نیز نمی‌توان به درامان بودنشان اطمینان داشت.

با در نظر گرفتن مخاطبان بحث، باید گفت آنچه در مسئله نظارت، اهمیت اساسی دارد حضور فعال مادر، هم‌زمان با حضور فرزندان در خانه است. با توجه به وظیفه پدر برای تأمین نیازهای اقتصادی خانواده، در عمل بخش عمده نظارت بر عهده مادر قرار می‌گیرد. از سویی معمولاً در تنهایی و مراقبت نبودن والدین است که ارتباط‌های ناسالم فرزندان با افراد دیگر از راه‌های مختلف مانند اینترنت، تلفن و پیام کوتاه شکل می‌گیرد.

حضور مسادر بسیار مهم است و مادرانی که فعالیت‌های منظم اجتماعی دارند، باید در این باره بیشتر

احساسات تصمیم درست را گرفته، تحصیل را تا زمان برطرف شدن مشکل کنارگذارد. برای نمونه، خانمی یک سال از تحصیلش باقی است، در این هنگام خداوند فرزندی به او عطا می‌کند. این مادر، خود را در یک قدمی موفقیت علمی می‌بیند و از طرفی فرزندش در مرحله‌ای است که بیشترین نیاز را به او دارد؛ از این رو، میان مراقبت و پرورش فرزند و پایان بردن تحصیلات تضاحم پیش می‌آید. ممکن است گروهی گمان کنند که اگر در سال اول زندگی کودک، خواب و خوراک و بهداشت او تأمین شود، بسنده است و تا بخواهد متوجه اطراف شود، مادر تحصیلش را به پایان رسانده است. این فکر، بزرگ‌ترین خیانت به نوزادی است که همه وجودش با مسادر گره خورده است و بیشترین آرامش را در آغوش او به دست می‌آورد و براساس نظر روان‌شناسان (ر.ک: شولتز، ۱۳۷۸، ص ۳۲۸)، نوع شخصیت و رفتار او در آینده به چگونگی گذران سال‌های آغازین زندگی و چگونگی ارتباط با مادر بستگی دارد. بنابراین یک مادر دلسوز و فهمیده، با تشخیص درست اولویت، یعنی از نوزاد بدون احساس شکست یا عصبانیت مراقبت کند و از تحصیل حضوری دست کشیده، با آرامش خاطر از اینکه بهترین انتخاب را کرده است، به پرورش و مراقبت از فرزندش می‌پردازد.

مسئلاً منظور از بیان این مطالب، تعطیل کامل علم‌آموزی نیست؛ زیرا راه کسب دانش هیچ‌گاه بسته نبوده و خانم می‌تواند تا زمانی که اوضاع برای تحصیل رسمی مهیا شود، با مطالعه در زمینه علوم مورد علاقه‌اش سطح دانش خود را بیفزاید.

۵. هوشیاری و نظارت

ضرورت توجه و نظارت بر اعضای خانواده از جمله نکاتی است که با آغاز زندگی مشترک، موضوعیت

مهم‌ترین سرمایه‌های زندگی‌اند و عقل حکم می‌کند در نگهداری و مراقبت از آنان نهایت احتیاط و دقت صورت گیرد. پس، کوچک‌ترین احتمال خطر را نیز نباید نادیده گرفت و هیچ مسئله‌ای نباید سبب غفلت از آنان شود.

۶. استقامت و پشتکار

با توجه به آنچه گذشت، روشن است که قدم گذاشتن در راه کسب علم و دانش برای بانوان متأهل، آن هم با رعایت اولویت‌های زندگی، کاری دشوار است و نیاز به دقت و برنامه‌ریزی، هوشیاری و البته صبر و تحمل فراوان دارد. حتی ممکن است خانم در یک قدمی موفقیت، در وضعی قرار گیرد که از ادامه راه دل‌سرد شود؛ از این‌رو، یکی از ارزش‌های کلیدی تحصیل زنان، استقامت و پایداری در این مسیر است.

از جمله راه‌هایی که می‌تواند در پیمودن مسیر تحصیل به بانوان یاری رساند «خودشناسی» است. یعنی اگر خانم‌ها جایگاه خود را در جهان هستی در مقام جانشینان خداوند برای پرورش نسل بشر به‌خوبی بشناسند و تحصیل را راهی برای انجام بهتر این تکلیف ببابند، با آمادگی بهتری سختی‌های آن را تحمل کرده، به راحتی تسلیم مشکلات نخواهند شد.

راه دیگر، داشتن «خلوص نیت» است. طبق تعالیم اسلام، هرچه نیت خالص‌تر باشد و رضای الهی در آن بیشتر مدنظر قرار گیرد، استقامت و پشتکار نیز افزایش یافته، در نتیجه، کار بیشتری صورت می‌گیرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر نیت‌ها خالص شود هر آینه عمل‌ها افزایش یابد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۹۳). با توجه به این حقیقت، اگر خانمی، تحصیل را برای اخذ مدرک یا سرگرم شدن یا فرار از مشکلات زندگی و یا هر نیت غیرالهی دیگری آغاز کرده باشد، وقتی مانعی بر سر

دقت کنند؛ زیرا در ساعات مشخصی خارج از منزل به سر می‌برند و فرزندان مطمئن می‌شوند که زمان معینی هیچ‌گونه کنترلی بر کارهای آنان نیست. این مسئله، زمینه را برای مشکلات بزرگی فراهم می‌سازد. تهدید به اندازه‌ای جدی است که حتی نباید به بودن فرزندان در کنار هم نیز اطمینان کرد و آنان را با هم تنها گذاشت؛ زیرا ممکن است به سبب دریافت اطلاعات ناسالم از دنیای بیرون، در نبود والدین به انحرافات و رفتارهای غلط روی آورند؛ از این‌رو، به مادران سفارش می‌شود، بکوشند زمان تحصیل یا هر فعالیت اجتماعی دیگر را به گونه‌ای تنظیم کنند که همسر یا یک فرد موردا اعتماد، در خانه حاضر باشد. اگر این امر ممکن نیست، زمان خروج از منزل را هم‌زمان با ساعات تحصیل فرزندان قرار دهند، به طوری که پیش از بازگشت ایشان و یا دست‌کم هم‌زمان با آنها به خانه بازگردند.

اما درباره قید فعال بودن حضور مادر، باید گفت فقط حضور فیزیکی در خانه ملاک نیست؛ بلکه باید توجه کافی به فرزندان نشان داده و با رسیدگی به مسائل آنان، مانع از احساس کمبود و جذب آنان به سوی دیگران شد. به تحقیق ثابت شده است: «در خانواده‌هایی که مادر فرصت اندکی برای اداره منزل دارد، معمول جایی برای نظارت هوشیارانه بر فرزندان باقی نمی‌ماند. مثلاً به خاطر اشتغال به تحصیل، امکان کنترل رفتار، پیشرفت تحصیلی، اوقات فراغت و مانند آنها برایشان میسر نمی‌باشد. طبیعی است که فرزندان به منابع خارج از خانه راغب‌تر شوند و ناکامی‌ها و محرومیت‌هایی که بر اثر ارتباطات ناقص خانوادگی پیش می‌آید را در مفرّه‌ای که اغلب انحرافی است تأمین یا ارضا کنند» (ر.ک: ضوابطی، ۱۳۶۵، ص ۱۱۴).

همیشه این نکته را باید به خاطر داشت که فرزندان،

به همین منظور، نخست همسری و مادری به‌مثابه اصول اولیه زندگی زنان متأهل تبیین و سپس شش ارزش از قبیل آینده‌نگری، واقع‌بینی و اولیت‌سنجی و... به‌مثابه راهکارهایی برای هماهنگ‌سازی تحصیل با وضع تأهل معرفی شد. البته ارزش‌های دیگری همچون اعتدال، دقت‌نظر و تواضع برای تحصیل زنان متأهل مطرح است که بحث و بررسی بیشتری می‌طلبد.

نتیجه‌ای که از این پژوهش به‌دست آمد، آنکه تحصیل هر خانم متأهل، بسیار خوب، پسندیده و حتی یک ضرورت شمرده می‌شود؛ اما نه به هر صورت، نه در هر زمان و نه به هر قیمت؛ بلکه به‌سبب جایگاه و مسئولیت‌های مهم زن در خانه و اثرپذیری فضا و شرایط زندگی دیگر اعضا از تحصیل او، می‌بایست این برنامه، بسیار سنجیده و با دقت و هوشیاری فراوانی نسبت به تعیین زمان تحصیل، مدت تحصیل، رشته تحصیلی و جوانب بسیار دیگر صورت پذیرد.

پیشنهادی که در جهت این تحقیق می‌توان به‌دست داد، آن است که یک فرهنگ‌سازی عمیق و چندجانبه شکل گیرد تا هم دیدگاه جامعه به تحصیل زنان و آثار مفیدی که دارد تغییر مثبتی یابد و هم زنان با فراگیری اخلاق تحصیل، مانع از ایجاد اختلال در سیستم خانواده و برهم خوردن آرامش و نشاط اعضای آن گردند.

به امید آنکه در آینده‌ای نزدیک با اصلاح روش‌ها و نگرش‌ها، تحصیل زنان، به‌معنای واقعی فرصتی برای رشد و تعالی خانواده و تحقق اهداف الهی آن باشد.

راهش قرار گیرد، قطعاً انگیزه ادامه تحصیل از او گرفته می‌شود و دیر یا زود آن را رها خواهد کرد. اما در صورتی که نیتش رسیدن به رشد و کمال خود و خانواده برای کسب رضای الهی باشد، دیگر طولانی‌شدن سال‌های تحصیل، نگرفتن مدرک، نداشتن آینده شغلی و مسائلی از این دست، مانع کسب دانش و آگاهی او نخواهد شد؛ زیرا آنچه برایش مهم است، دستیابی به اطلاعات مفید برای ارتقای کیفیت زندگی خانواده است که به رضایت الهی در آن ایمان دارد و هر زمان که شرایط فراهم باشد، به آن می‌پردازد.

جان کلام اینکه طالب علم می‌بایست همیشه تشنه چشیدن از دریای دانش و معرفت باشد؛ هرچند با گام‌های آهسته، پیوستگی و مداومت در این راه را از دست ندهد؛ زیرا حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «جوینده چیزی یا به آن یا به برخی از آن، خواهد رسید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷۰، حکمت ۳۷۹).

نتیجه‌گیری

با توجه به استقبال گسترده زنان از تحصیلات عالی که پلی برای حضور موفق در اجتماع است، این نوشتار فارغ از فضای پرهیاهوی فمینیستی و شعارهای تبلیغاتی و فریبنده آن، کوشید با در نظر گرفتن واقعیات جامعه و روحیه حاکم بر خانواده‌های ایرانی، راهکارهایی به دست دهد که از بروز تعارض میان تحصیل و زندگی خانوادگی زنان پیشگیری کند. از این رو، آنچه بیان شد برای حمایت بی‌اساس از گروهی خاص یا نادیده گرفتن توانایی‌ها و استعداد‌های زنان نبود؛ بلکه، یادآوری ارزش جایگاه زن و نیز بیان راهکارهایی معقول و منطقی برای فراهم ساختن وضع مناسب تحصیل، بدون از دست رفتن آرامش و ثبات خانواده بود.

فضل الله، سید محمد حسین (۱۳۸۷)، *اسلام، زن و جستاری تازه*، ترجمه مجید مرادی، چ سوم، قم، بوستان کتاب.
 قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران، دارالکتب الإسلامية.
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، *الکافی*، چ دوم، تهران، اسلامیه.
 مصباح، مجتبی (۱۳۸۵)، *بنیاد اخلاق (روشنی نو در آموزش فلسفه اخلاق)*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی امام خمینی ره.
 مصباح، محمد تقی (۱۳۷۸)، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
 — (۱۳۸۸)، *فلسفه اخلاق*، چ چهارم، تهران، بین الملل.
 میر خانی، عزت السادات (۱۳۷۹)، *رویکردی نوین در روابط خانواده*، تهران، سفیر صبح.

منابع

نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، تهران، فیض الاسلام.
 آذربایجانی، مسعود و همکاران (۱۳۸۷)، *روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، چ سوم، تهران، سمت.
 ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۴۲۶ق)، *تهدیب الاخلاق و تظہیر الاعراق*، قم، طلیعه نور.
 ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.
 ابی فراس، ورام بن (بی تا)، *مجموعه ورام (تنبیه الخواطر)*، قم، مکتبه فقیه.
 الهامی نیا، علی اصغر (۱۳۸۳)، *اخلاق عملی*، قم، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع.
 باقری، خسرو (۱۳۷۴)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، چ سیزدهم، تهران، مدرسه.
 بهشتی، احمد (۱۳۸۳)، *مسائل و مشکلات زنشویی*، چ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
 تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
 حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *تفصیل و مسائل الشیعہ*، چ دوم، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
 دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
 دیلمی، حسن (۱۴۱۲ق)، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، شریف رضی.
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم.
 سالاری فر، محمد رضا (۱۳۸۵)، *خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی*، تهران، سمت.
 شعیری، تاج الدین (۱۴۰۵ق)، *جامع الأخبار*، قم، رضی.
 شولتز، دوان (۱۳۷۸)، *نظریه های شخصیت*، ترجمه یوسف کرمی و همکاران، چ دوم، تهران، ارسباران.
 صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۰ق)، *امالی*، چ پنجم، بیروت، اعلمی.
 طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
 غلامی، یوسف (۱۳۸۶)، *اخلاق و رفتارهای جنسی*، چ سوم، قم، معارف.